روزنامه فرهنگی - اجتماعی - اطلاع‌رسانی | صاحب‌امتیاز: شهرداری مشهد | مدیرعامل مؤسسه شهرآرا: مجید خرمی
نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱ | دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱ | نمابر: ۳۷۲۲۳۸۳۱۰ | روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹ | چاپ: مجتمع چاپ قدس
Email:info@Shahrara.com | Photoshahr.ir | Caferesane.com | Shahrara.com
مراسکن کنید | منشور اخلاقی
www.shahraraonline.com
مشهد امروز ▼۴ ▲۱۶ فردا ▼۶ ▲۱۷ | یک‌شنبه ۱۰ دی ۱۳۹۶ | ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ | ۳۱ دسامبر ۲۰۱۷ | شماره ۲۴۴۷
اذان ظهر: ۱۱:۳۵ | غروب آفتاب: ۱۶:۲۷ | اذان مغرب: ۱۶:۴۷ | نیمه شب شرعی: ۲۲:۴۹ | اذان صبح فردا: ۵:۱۲ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۳

عکس تو عکس

۱ هدیه جالب خواننده «هوروش بند» به دورهمی

مهدی دارابی درباره گفتگوی خود با مهران مدیری عنوان کرد: در زندگی، سختی‌هایم خیلی بیشتر از لذت زندگی‌ام بوده و پس از انتخاب موسیقی بیشتر هم شده است؛ چراکه دوست ندارم در جا بزنم و یک جا بمانم و همیشه نگران هستم. دارابی پیش از اجرای قطعه ماه دلم، عینکش را به موزه دورهمی اهدا کرد.

۲ تصویر مهراب قاسم‌خانی مربوط به دهه ۷۰

مهراب قاسم‌خانی، تصویری قدیمی مربوط به پشت‌صحنه یکی از کارهایش را در صفحه شخصی خود در اینستاگرام منتشر کرد.
او نوشت: سال ۷۹ مجموعه تلویزیونی گلخونه، به‌همراه نیلوفر لاری‌پور (نویسنده)، نوید محمودی (کارگردان) و کامیار اسماعیلی (مدیر تولید). بیخود سعی نکنید این برنامه رو یادتون بیاد. خودم نیم‌ساعت جون کندم اسمش یادم بیاد، تهش هم یادم نیومد، پرسیدم.

۳ شترسواری بابانوئل

این عکس قدیمی مربوط است به برگزاری جشن کریسمس در سال ۱۳۵۳ و در مدرسه آمریکایی تهران (TAS) که یک مدرسه بین‌المللی آمریکایی واقع در تهران بوده است. نکته شایان توجه عکس، آن است که بابانوئل در این مراسم با شتر وارد حیاط مدرسه شده است، درحالی‌که در باور عام، بابانوئل بر سورتمه‌ای با چند گوزن پرنده، سوار است.

۴ طرحی جالب از کاپ جام جهانی باتصویری از «آزمون»

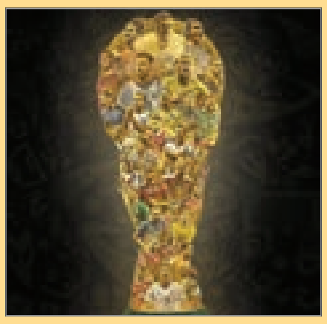

طرح جالب بلیچر ریپورت از کاپ جام‌جهانی، با تصویری از سردار آزمون و ستاره‌های مطرح

۵ مرد سال فوتبال فیفا رئیس جمهور شد

ژرژ وه‌آ پنجاه‌ویک‌ساله، فوتبالیست سابق و نامزد کنگره دموکراتیک «تغییر»، در انتخابات ریاست‌جمهوری لیبریا پیروز شد. وه‌آ، بازیکن سرشناس باشگاه‌های بزرگی مثل آث‌میلان، چلسی و پاری‌سن‌ژرمن بود و تنها فوتبالیست آفریقایی است که عنوان «مردسال فوتبال فیفا» و «توپ طلا» را برد. او از سال ۲۰۰۲ وارد دنیای سیاست شد و پیش از انتخابات ریاست جمهوری عضو مجلس سنا بود.

سرسره

همه‌اش تقصیر دهه‌شصتی‌هاست

ارژنگ حاتمی - وزیر کار به‌تازگی گفته است: «بیکاری دهه شصتی‌ها نمی‌گذارد اشتغال‌زایی ما حس شود.» ما صددرصد با این گفته آقای وزیر موافق هستیم. واقعا این دهه شصتی‌ها عجب انسان‌هایی هستند! چرا مانع می‌شوید اشتغال‌زایی حس شود؟ واقعا چرا این‌طوری هستید و چرا این‌قدر رو دارید که هنوز هم دنبال کار می‌گردید؟ باور کنید اگر قرار بود کار برایتان پیدا شود تا الان شده بود. بهتر است از همین امروز اعلام کنید متقاضی کار نیستید تا آمارتان جزو بیکاران حساب نشود و اشتغال‌زایی حس شود.

آقای وزیر همچنین گفته است: «علت نامحسوس بودن اشتغال، بیکارماندن دهه شصتی‌ها در دهه ۸۰ و انتقال آن‌ها به این زمان است.» آقایان و خانم‌های دهه‌شصتی، برخی از هم‌سن‌های شما درحال بازنشسته‌شدن هستند، آن‌وقت شما هنوز درحال منتقل‌شدن به‌زمان‌های مختلف برای پیداکردن کار هستید؟ تا کی می‌خواهید از این زمان به آن زمان منتقل شوید؟ بروید در کانال‌های تلگرامی و عکس شیشه‌شیر و پاک‌کن‌های قدیمی و مادر هاچ را بگذارید و با همین نوستالژی‌هایتان خوش باشید.

غیر از حس‌نشدن اشتغال‌زایی، خیلی چیزهای دیگر هم تقصیر دهه‌شصتی‌هاست که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

■ **حذف‌نشدن کنکور:** این دهه‌شصتی‌ها بودند که با علاقه بی‌دلیلشان به دانشگاه، بازار کلاس‌ها و کتاب‌های کنکور را طوری داغ کردند که این روزها این کلاس‌ها چندهزار میلیارد گردش مالی دارند و همین میلیاردها گردش مالی باعث شده بعضی‌ها نتوانند از کنکور دل بکنند. اگر آن‌ها بی‌خیال درس می‌شدند و کاری یاد می‌گرفتند، مدام بیکاری‌شان به زمان‌های مختلف منتقل نمی شد. اصلا همین هم که صداوسیما هر روز مخاطبانش کم می‌شود، تقصیر دهه‌شصتی‌هاست. اگر کنکوری نبود، صداوسیما هم محض دلسوزی برای کنکوری‌ها، مدام آنتنش را در اختیار افرادی قرار نمی‌داد که با پشتک‌وارو زدن تست حل کنند و فیلم و کتاب‌های عجیبشان را تبلیغ کنند.

■ **رکود بازار مسکن:** در مقطعی از زمان، انبوه‌سازان با خودشان حساب‌وکتاب کردند که تا چندسال دیگر که دهه‌شصتی‌ها مزدوج شوند فلان تعداد خانه لازم است و بعد کلی خانه ساختند. بعد از آن هم یک آقایی که کلی به مهرورزی علاقه داشت، برای آنکه محلی برای مهرورزی جوانان به هم ایجاد کند، در کویر و بیابان اقدام به خانه‌سازی کرد، اما یادش رفت که جوانی که کار نداشته باشد، دل و دماغ مهرورزی ندارد و این دهه‌شصتی‌ها نه‌تنها کار نداشتند که پولی دربیاورند و ازدواج کنند و خانه بخرند، بلکه متأسفانه حتی پدر پول‌داری هم نداشتند که برایشان خانه بخرد تا بازار مسکن رونق بگیرد و این‌طور شد که بازار مسکن هم خوابید و کلی آدم بیکار شدند. مطمئنا اینکه دهه‌شصتی‌ها پدر پولدار نداشتند هم تقصیر خودشان است.

■ **آلودگی محیط زیست:** اگر این روزها در اقیانوس آرام، ماهی‌ها و لاک‌پشت‌ها بر اثر خوردن پلاستیک می‌میرند، مقصرش همین دهه‌شصتی‌ها هستند. همین دهه‌شصتی‌ها بودند که برای اولین‌بار به مادرانشان گفتند خجالت می‌کشند با زنبیل به خرید بروند و استفاده از پلاستیک را باب کردند. همین‌ها بودند که اگر پیرزنی را با زنبیل قرمز در خیابان می‌دیدند، لبخندی طعنه‌آمیز می‌زدند.

■ **انقراض دایناسورها:** اگر آن دسته از دهه‌شصتی‌هایی که بیکار ماندند، به‌جای انتقال به این زمان، به زمان دایناسورها منتقل می‌شدند و پرورش دایناسور راه می‌انداختند و آن‌ها را از خطرهایی همچون شهاب‌سنگ و ... مطلع می‌ساختند، نسل آن جانوران هم منقرض نمی‌شد.

نیازمند کار

نیازطنزی‌ها

مجتبی نخعی‌راد

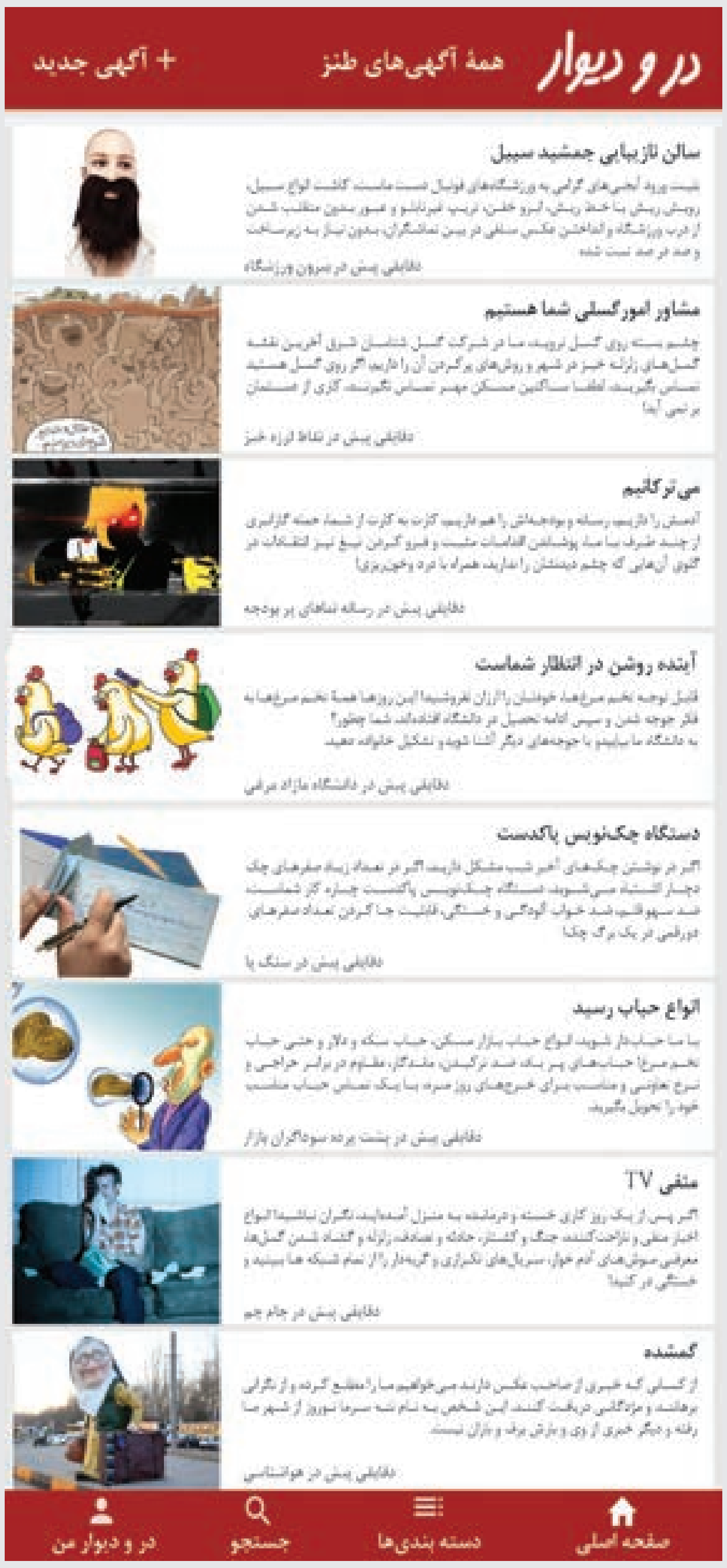

در و دیوار
همهٔ آگهی‌های طنز
+ آگهی جدید

سالن نازیبایی جمشید سبیل

مشاور امورگسلی شما هستیم

می‌ترکانیم

آینده روشن در انتظار شماست

دستگاه چک‌نویس پاکدست

انواع حباب رسید

منفی TV

گمشده

مکث

طرح: محمدرضا میرشاه‌ولد

وام ازدواج به ۱۵ میلیون تومان افزایش می‌یابد

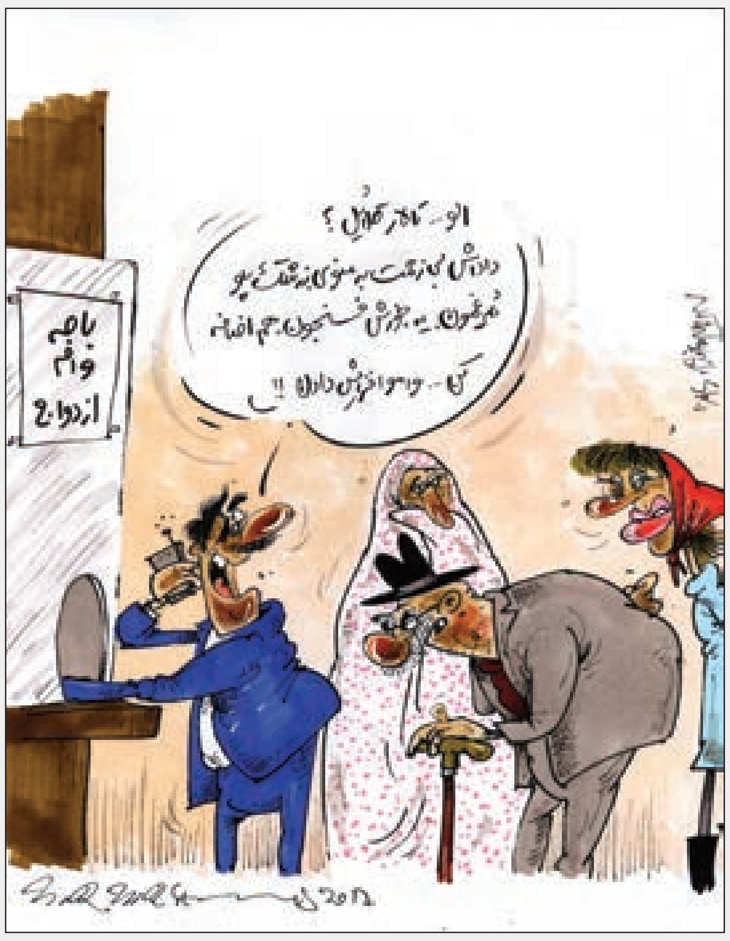

سرگرمی

سودوکو (شماره ۶۵۵)

			۹					
		۵	۸	۶			۲	
	۱	۲		۴			۸	
		۴	۶				۱	
۶	۷						۹	۳
	۵				۴	۲		
	۴			۲		۸	۵	
	۲			۹	۶	۳		
					۳			

پاسخ سودوکو (شماره ۶۵۵)

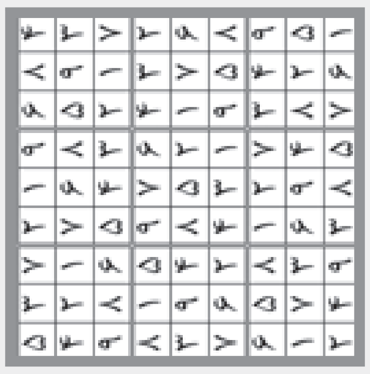

جدول

۲۳۰۳

shahr.puzzle@shahrara.com

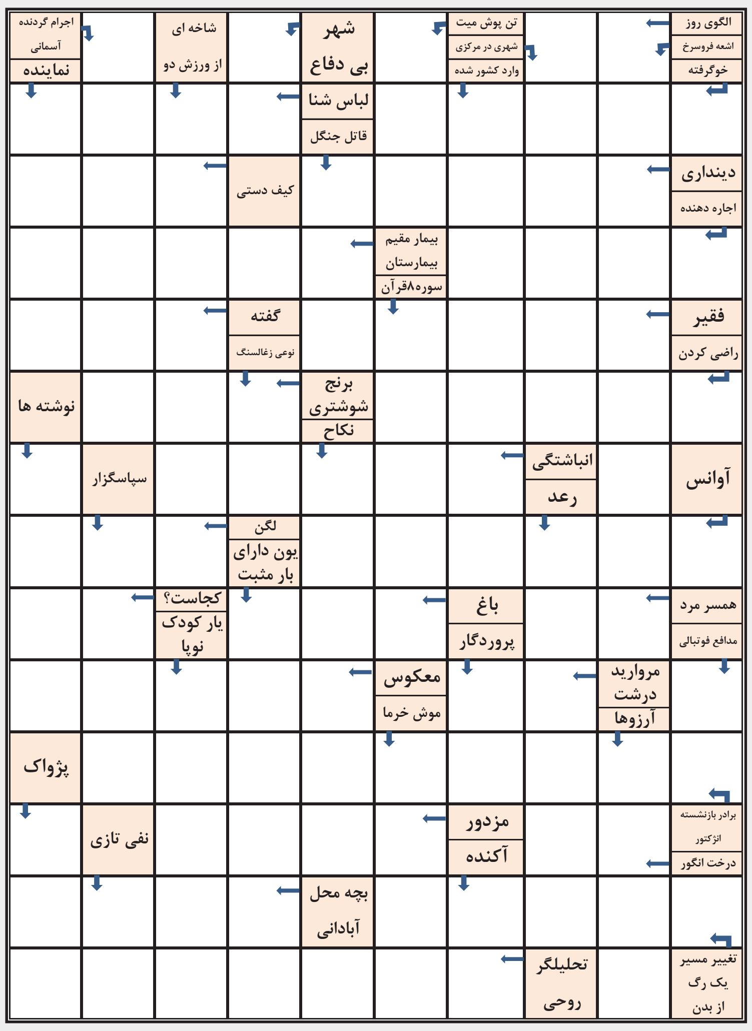

الگوی روز
اشعه فروسرخ
خوگرفته
تن پوش میت
شهری در مرکزی
وارد کشور شده
شهر
بی دفاع
لباس شنا
قاتل جنگل
شاخه ای
از ورزش دو
اجرام گردنده
آسمانی
نماینده
دینداری
اجاره دهنده
کیف دستی
بیمار مقیم
بیمارستان
سوره۸قرآن
فقیر
راضی کردن
گفته
نوعی زغالسنگ
برنج
شوشتری
نکاح
نوشته ها
آوانس
انباشتگی
رعد
سپاسگزار
لگن
یون دارای
بار مثبت
همسر مرد
مدافع فوتبالی
باغ
پروردگار
کجاست؟
یار کودک
نوپا
مروارید
درشت
آرزوها
معکوس
موش خرما
پژواک
برادر بازنشسته
انژکتور
درخت انگور
مزدور
آکنده
نفی تازی
بچه محل
آبادانی
تغییر مسیر
یک رگ
از بدن
تحلیلگر
روحی

پاسخ جدول شماره ۲۳۰۲

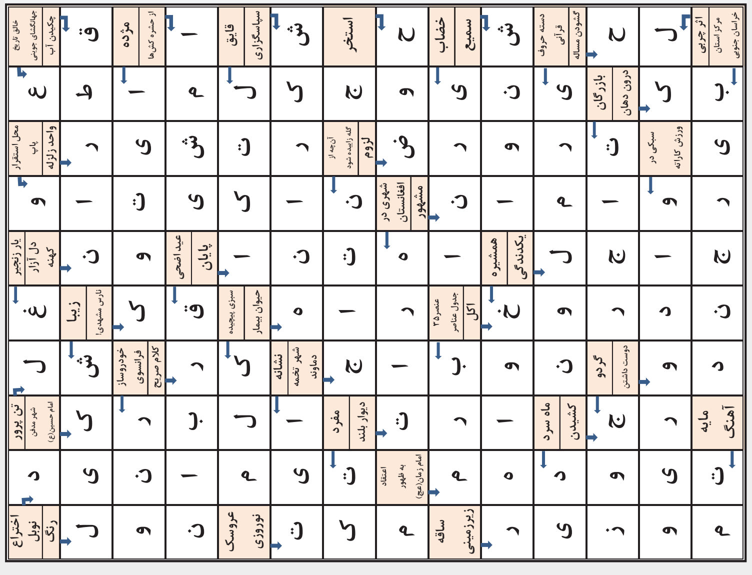

طنزنوشت

«سهوانتخاب» کبریت

مهدی محمدی - «چخماق» از آن واژه‌هایی است که راحت توی دهان نمی‌چرخد؛ به همین دلیل ۱۹۰ سال پیش در چنین روزی، یک شیمی‌دان، کبریت را اختراع کرد. به همین مناسبت می‌خواهم تجربیات خودم را درباره کبریت به شما هم منتقل کنم:

۱- یک بار یک جعبه کبریت خریدم، ولی وقتی آن را به خانه آوردم هیچ‌یک از آن چهل سیخ کبریت نتوانستند محفل را روشن کنند. شاید فکر کنید شب بود، خسته بودم و در «دچار سهوانتخاب» کبریت شده بودم، درصورتی که اتفاقا کبریت را در مغازه تست کرده بودم و هر چهل‌تای آن روشن شده بود. این بود که فهمیدم نمی‌شود دوبار به یک کبریت اعتماد کرد.

۲- در یکی از گروه‌های معتبر تلگرام نوشته بود که یک سیخ کبریت براثر خاراندن سرش و اصطکاک ناشی از آن دچار آتش گرفتگی شد. از آن به بعد همانند اهالی روستای بهداشت محور شلمرود، به تمیزی و نظافت علاقه‌مند شده‌ام و هر شب قبل از خواب، کبریت‌ها را با لیف و صابون می‌شویم تا از ناحیه سر دچار خارش نشوند.

۳- قیمت آبلیموهای یک‌لیتری از نیم‌کیلو لیمو هم کمتر است، ولی روی آن‌ها نوشته شده است «صددرصد طبیعی»! این قضیه درباره کبریت‌ها هم اتفاق افتاده و روی آن‌ها نوشته است «کبریت بی‌خطر». یک کارمند که باور کرده بود کبریت بی‌خطر است، از آن برای نظافت گوش استفاده کرد. پرده گوشش پاره شد و از آن روز فقط ۵۰ درصد حرف‌های ارباب‌رجوع را گوش می‌کند.

۴- زمانی که به خواستگاری رفتم، پدر دختر پرسید: کبریت دارید؟ و من پاسخ دادم: بله، کبریت دارم. و سپس او گفت: خیر، دختر ندارم.

هرقدر هم به او گفتم از کبریت فقط برای بهداشت دهان، دندان و گوش استفاده می‌کنم، باور نکرد. شده بودم مثل آن بنده‌خدایی که از آشغال، برق فشار قوی تولید می‌کرد، ولی نه چهاردرصدی‌ها و نه نودوشش‌درصدی‌ها حرفش را باور نکردند.

روایت

فالوئرهای سرنوشت‌ساز

نعیمه بخشی - جلسات مصاحبه شغلی، بهترین شرایط برای کسب تجربه‌اند، چون درمی‌یابید کارفرمایان به‌دنبال چه ویژگی‌هایی هستند و ازنظر آنان کارمند نمونه چه‌جور آدمی است. وقتی شخص مصاحبه‌کننده از من خواست صفحه اینستاگرامم را نشانش بدهم، اول کمی جا خوردم، ولی چون شغل موردنظر نیاز به اندک مهارتی در عکاسی داشت، من هم صفحه‌ام را نشان دادم. کمی صفحه را بالا و پایین کرد و گفت که صفحه‌ام دپرس‌کننده است. من هم کم نیاوردم و جواب دادم که «بله، من فقط عکس‌های هنری می‌گیرم.» مصاحبه‌کننده هم اتفاقا کم نیاورد و گفت: «نفر قبلی که برای مصاحبه اومده بود فالوئرهاش از شما خیلی بیشتر بود.» دیگر نمی‌شد چیزی بگویم. سکوت کردم و به فکر فرورفتم. یادش به‌خیر؛ چقدر مصاحبه‌های شغلی در گذشته ساده‌تر بودند. نهایتش این بود که یک تست شخصیت بگذارند و ازت بپرسند اگر در چاهی افتاده بودی و فقط یک بیلچه با خودت داشتی چه‌کار می‌کردی؟ ولی حالا فالوئرها تعیین‌کننده برتری افراد هستند. مغموم و افسرده به آدم‌هایی فکر کردم که دارند من را بی‌مزد و منت فالو می‌کنند. جا دارد همین‌جا از همه‌شان تشکر کنم، هرچند تعدادشان آن‌قدری نبود که بتواند سرنوشتم را عوض کند. به سلبریتی‌هایی که همیشه عکس کتاب و فنجان و کفش و گلدان می‌گذارند و هزاران هزار فالوئر دارند هم فکر کردم. بعید می‌دانم که آن‌ها خیلی هم به شغل و درآمد فکر کنند. البته خدایی‌نکرده نخواستم قضاوت کرده باشم، فقط فکرهایم را با شما درمیان گذاشتم که کمی بیشتر قدر فالوئرهایتان را بدانید.

برندگان نظرسنجی جدول

با تشکر مجدد از خوانندگان خوب صفحه‌آخر که در نظرسنجی جدول‌مان شرکت کرده بودند. همان‌طور که وعده داده بودیم قرعه‌کشی نظرسنجی را برگزار کردیم که برندگان به این شرح می‌باشند:

خانم افسانه روشندل ۰۹۱۵**۳۵۳**
آقای رضا نشان‌دار ۰۹۱۵**۶۱۵**
آقای علیرضا صحرایی ۰۹۱۵**۲۵۲**